**( کر ) سؤال مقصود از روح القدس**

چه چيز است ؟

**جواب**

مقصود از روح القدس فيض الهی است و اشعّه ساطعه از مظهر ظهور زيرا شعاع آفتاب حقيقت مرکزش مسيح بود و از اين مرکز جليل حقيقت مسيح فيض الهی بر سائر مرايا که حقايق حواريّون بود اشراق نمود . مقصود از حلول روح القدس بر حواريّين اينست که آن فيض جليل الهی تجلّی و افاضه بر حقائق حواريّين نمود و الّا دخول و خروج و نزول و حلول از خواصّ اجسامست نه ارواح يعنی حقائق محسوسه را دخول و حلول است نه لطائف معقوله را . و حقائق معقوله مثل عقل و حبّ و علم و تصوّر و فکر ، آنانرا دخول و خروج و حلولی نيست بلکه عبارت از تعلّق است . مثلاً علم که عبارت از صورت حاصله عند العقل است آن امريست معقول و دخول و خروج در عقل امر موهوم بلکه تعلّق حصولی دارد مانند صور منطبعه در آينه . پس چون ثابت و مبرهن است که حقايق معقوله را دخول و حلولی نيست البتّه روح القدسرا صعود و نزول و دخول و خروج و مزج و حلول ممتنع و محالست نهايت اينست که روح القدس مانند آفتاب جلوه در مرآت نمود . و در بعضی مواضع از کتب مقدّسه ذکر روح ميشود و مقصد شخص است مثل آنکه در مخاطبات و مکالمات مصطلح است که فلان شخص روح مجسّم است و حميّت و مروّت مشخّصه . در اين مقام نظر بزجاج نيست بلکه نظر بسراج است چنانکه در انجيل يوحنّا در ذکر موعود بعد حضرت مسيح در فصل شانزدهم آيه دوازدهم ميفرمايد :" و بسيار چيزهای ديگر نيز دارم بشما بگويم لکن الآن طاقت تحمّل آنها را نداريد و لکن چون او يعنی روح راستی آيد شما را بجميع راستی هدايت خواهد کرد زيرا که از نفس خود تکلّم ننمايد بلکه بآنچه شنيده است سخن خواهد گفت ". حال بدقّت ملاحظه نمائيد که ازين عبارت " زيرا از نفس خود تکلّم ننمايد بلکه بآنچه شنيده است سخن خواهد گفت "، معلوم ميشود که اين روح راستی انسانی مجسّم است که نفس دارد و گوش دارد که استماع مينمايد و لسان دارد که نطق ميکند و همچنين بحضرت مسيح روح اللّه اطلاق ميشود مثل اينکه سراج گوئی و مراد سراج با زجاج است .